

ارائه مدلی برای انجام پژوهشهای بنیادی در حوزه مطالعات مدیریت اسلامی (مورد مطالعه: عدالت توزیعی در سازمان)^۱

نویسندگان: سید علی اکبر افجه^۲، حجت الاسلام ولی الله نقی پورفر^۳
و محمود جعفرپور^۴

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۳/۲/۲۵

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۱/۱۹

فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال هفدهم، شماره ۶۲، بهار ۱۳۹۳

چکیده

واقعیت آن است که در حال حاضر، نظریه‌های موجود علوم انسانی در حوزه‌هایی همچون مدیریت، اگرچه مفید اما راهگشا نیستند و مبانی فلسفی آنها با فرهنگ جامعه اسلامی همخوانی و انطباق ندارد. از سوی دیگر، روش تحقیق کارآمدی نیز برای اکتشاف و استخراج نظریه‌های مدیریت از متون دینی، موجود نیست. بر این اساس، هدف اصلی در مقاله حاضر، ارائه مدلی برای انجام پژوهشهای بنیادی در حوزه مطالعات مدیریت اسلامی بوده است؛ از این رو ضمن نقد روشهای تحقیق موجود و تبیین مفهوم علم دینی و آشنایی با روش‌شناسی علوم قرآنی، مدلی برای اجرای پژوهشهای بنیادی به منظور استخراج و احصای نظریه‌های علوم انسانی اسلامی ارائه شد. مدل ارائه شده مشتمل بر یازده گام بدین شرح بوده است: ۱- مرور و تدبر در قرآن و شناسایی آیات مرتبط با موضوع پژوهش؛ ۲- استخراج مضامین و پیامهای مرتبط از تفسیر قرآن؛ ۳- استفاده از دو کدگذار برای اعتبارسنجی مضامین و پیامهای استخراج شده؛ ۴- اعتبارسنجی مفاهیم استخراج شده بر اساس تفسیر المیزان؛ ۵- تبیین نهایی مفاهیم شناسایی شده؛ ۶- کدگذاری مفاهیم (پیامها) استخراج شده؛ ۷- استخراج مقوله‌ها؛ ۸- استخراج مقوله‌های اصلی؛ ۹- تعیین روابط بین مقولات و ارائه مدل مفهومی اولیه؛ ۱۰- اعتبارسنجی مدل بر اساس نظرات خبرگان و ۱۱- آزمون مدل مفهومی نهایی پژوهش در محیط واقعی. همچنین برای ارائه مثالی از کاربرد مدل تبیین شده، مدل در حوزه عدالت توزیعی در سازمان به کار گرفته شد و شاخصهای مورد نظر از قرآن شناسایی و استخراج شد.

واژگان کلیدی:

علم دینی، مدیریت اسلامی، روش‌شناسی علوم قرآنی، رویکرد استنباطی-اجتهادی

۱. مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری با عنوان «طراحی مدل جامع عدالت سازمانی در چارچوب الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» است.

۲. استاد دانشگاه علامه طباطبایی

۳. استادیار دانشگاه قم

۴. دانشجوی دکتری مدیریت گرایش رفتار سازمانی دانشگاه علامه طباطبایی (نویسنده مسئول)



مقدمه

در حال حاضر، عمده‌ترین نظریه‌ها و شاخصهای ارائه‌شده در حوزه مطالعات مدیریت و سازمان، توسط محققان غربی ارائه شده است؛ به طوری که تقریباً تمامی نظریه‌های اساسی رهبری که اکنون در اختیار است، ویژگی امریکایی دارند (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۴۲)؛ حال آنکه این فرهنگها به جای تأکید بر حقوق پیروان، بر مسئولیتهای آنان تأکید دارند؛ به جای تعهد به وظیفه و انگیزش نועدوستانه، بر اصل لذت جویی تأکید دارند؛ کار، مرکز توجه است و ارزشهای دموکراتیک در آنها مطرح است و به جای تمرکز بر پرهیزکاری، مذهب یا اعتقادات، بر عقلانیت تأکید صرف دارد (Zagoresk et al, 2004). این در حالی است که هدف اصلی در ایجاد و رشد سازمانها با نگاه اسلامی، عبارت است از عدالت اجتماعی، رشد شخصی و اجتماعی انسانها از طریق آموختن مستمر، خودکنترلی، درستکاری و ایمان، اعتماد متقابل بین کارکنان، مدیران و جامعه اسلامی (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۵۱). باید به این مهم توجه نمود که زیرساختهای فرهنگی در هر جامعه‌ای در شکل‌گیری الگوهای توسعه آن جامعه نقش دارند و لذا بدون در نظر گرفتن آن، عملاً امکان کاربرد نظریه‌ها در کشوری دیگر ممکن نخواهد بود (نقی پورفر و همکاران، ۱۳۸۹: ۴۰). بر این اساس، بهره‌مندی از «روشهای تحقیق» به منظور احصای نظریه‌های مورد نیاز، کاملاً ضروری و اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد. این موضوع به شکل جدی‌تری در علوم انسانی مطرح است؛ چراکه ارتباط این علوم با باورهای دینی بیش از علوم طبیعی است و تأثیرپذیری آنها از جهان‌بینی و فرهنگ جامعه‌ای که در آن تولید می‌شود، بیش از علوم طبیعی است (فناپی اشکوری، ۱۳۹۱: ۸). از سوی دیگر، روشهای کارآمدی برای تحقیق به عنوان ابزاری برای اکتشاف و استخراج نظریه‌های مدیریت از متون دینی، موجود نبوده یا برای جامعه علمی به شکلی کاربردی تبیین نشده است؛ تا آنجا که عدم برخورداری از وحدت رویه در انجام پژوهشهای دینی، به یکی از اصلی‌ترین چالشهای تولید علم دینی در کشور تبدیل شده است (حسینی و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۶). این مهم، دو دغدغه را به ذهن متبادر می‌کند؛ اول آنکه روش مورد استفاده باید توسط جامعه دانشگاهی مورد پذیرش قرار گیرد. دوم آنکه روش مورد استفاده باید توسط خبرگان حوزوی نیز مورد تأیید باشد. بررسی این دو دغدغه، نشان می‌دهد که مطالعات انسانی با رویکرد اسلامی، نیازمند یافتن روشی برای مطالعه و پژوهش است که هم مورد تأیید دانشگاه و هم مورد تأیید حوزه باشد. به بیان دیگر، جامعه علمی در حال حاضر، نیازمند وحدت حوزه و دانشگاه در عرصه روش‌شناسی و روش تحقیق می‌باشد؛ از این رو هدف اصلی پژوهش حاضر، ارائه مدلی برای انجام پژوهشهای بنیادی در حوزه مطالعات مدیریت اسلامی است.



بر این اساس، ابتدا روشهای تحقیق موجود، مورد نقد و مطالعه قرار می‌گیرند و پس از تبیین مفهوم علم دینی و علم بومی، مدل مورد نظر معرفی و تبیین می‌شود.

۱- مبانی نظری

۱-۱- نقدی بر روشهای تحقیق موجود

تفاوت بین ادراک معمولی^۱ و ادراک علمی^۲ از یک پدیده، به روش دستیابی به هر یک برمی‌گردد. این بررسی نظام‌مند و سازمان‌یافته یک موضوع برای توصیف، تشریح و پیش‌بینی است که باعث شناخت علمی شده و پژوهش نام‌دار (دانایی فرد و همکاران، ۱۳۸۳: ۲۴). از آنجاکه پژوهش علمی با ظهور مسئله یا مجهولی در ذهن محقق شروع می‌شود، هدف اصلی تحقیق علمی را باید معلوم کردن آن مجهول و به عبارتی، حل مسئله و یافتن پاسخ برای آن دانست (حافظ‌نیا، ۱۳۸۹: ۱۷). بر این اساس، روش تحقیق، هدایتگر جستجوهای علمی در راستای دستیابی به حقیقت (حل مسئله) و وسیله یا طریقه تعیین این امر است که چگونه یک گزاره تحقیق مورد تأیید قرار می‌گیرد یا رد می‌شود (سرمد و همکاران، ۱۳۸۰: ۲۲)؛ از این رو دستیابی به هدفهای علم یا شناخت علمی تنها از طریق روش‌شناسی درست، ممکن و میسر است؛ بنابراین پژوهشگران به این مهم توجه دارند که اعتبار دستاوردهای تحقیق، به شدت تحت تأثیر اعتبار روشی است که برای تحقیق خود برگزیده‌اند (خاکی، ۱۳۷۸: ۱۵۵). روشهای تحقیق در علوم انسانی بر حسب متغیرهای مختلفی تقسیم‌بندی می‌شوند که از جمله متداول‌ترین آنها، تقسیم بر حسب نوع داده‌های گردآوری شده است. بر این اساس، تحقیق به سه نوع تحقیق کمی، کیفی و تلفیقی (آمیخته) تقسیم می‌شود.

الف- روشهای تحقیق کمی

روشهای تحقیق کمی که به نوعی در نقطه مقابل روشهای کیفی قرار دارند، بر دیدگاه‌های فلسفی اثبات‌گرایانه^۳ بنا شده‌اند. در این پارادایم، به محقق توصیه می‌شود تا صرفاً بر واقعیتها تکیه کند؛ پدیده را به کوچک‌ترین جزء ممکن تقسیم نماید و به دنبال کشف روابط علی باشد و فرضیه‌های ممکن را فرموله و آزمون کند (علی‌احمدی و همکاران، ۱۳۸۲: ۲۵۰). اصلی‌ترین نقاط قوت اثبات‌گرایی و روشهای تحقیق کمی، گستردگی حوزه اعتبار، صرف زمان و هزینه کم و قابلیت بهره‌برداری در امر سیاستگذاری و تصمیم‌گیری است و در مقابل، عواملی همچون فقدان انعطاف طبیعی، احتمال عدم درک واقعی فرایند پدیده و

1. Common Sense
2. Scientific Sense
3. Positivism



ناتوانی در خلق نظریه‌های جدید، نقاط ضعف اصلی آن به شمار می‌آید (رازینی، ۱۳۸۹: ۱۵۰). همچنین روشهای تحقیق کمی از منطق استنتاجی قیاس بهره می‌گیرند و فرضیه‌ها را از طریق داده‌ها می‌آزمایند (لطیفی، ۱۳۸۸: ۷۰).

ب- روشهای تحقیق کیفی

در نقطه مقابل روش تحقیق کمی، روش تحقیق کیفی قرار دارد که بر دیدگاه‌های فلسفی پدیدارشناسی^۱ بنا شده است. در این پارادایم، از محقق خواسته می‌شود تا به جای صرف واقعیتها، به مفاهیم نهفته در آنها توجه کرده و تلاش کند تا به چگونگی پدیده پی ببرد؛ هر وضعیت تحقیق را به عنوان یک کل مورد مطالعه قرار دهد و برای خلق مفاهیم جدید به دنبال ایده‌های نهفته در داده‌ها باشد (علی‌احمدی و همکاران، ۱۳۸۲: ۲۵۲). در مقابل، زمان بر بودن مرحله گردآوری داده، پیچیدگی تجزیه و تحلیل و دشوار بودن کنترل فرایند کار، از نقاط ضعف آن می‌باشد (رازینی، ۱۳۸۹: ۱۵۰). اقدام پژوهی، پژوهش موردی، مردم‌نگاری (قوم‌نگاری)، تئوری مفهوم‌سازی بنیادی (دانایی فرد و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۹) و همچنین تحلیل محتوا (هومن، ۱۳۸۵: ۱۴۷) از جمله راهبردهای پژوهش کیفی محسوب می‌شوند. در جدول ۱، روش تحقیق کیفی و کمی از ابعاد مختلف با یکدیگر مقایسه شده‌اند (محمدپور، ۱۳۸۹: ۲۴).

ج- روشهای تحقیق تلفیقی (آمیخته)

به دلیل کاستی‌هایی که هر یک از دو روش تحقیق کمی و کیفی از آن رنج می‌برند، روش تحقیق تلفیقی (آمیخته)^۲ از سوی محققان پایه‌گذاری شده و مورد استفاده قرار می‌گیرد. مهم‌ترین فرض تحقیق تلفیقی، این است که به کارگیری ترکیب رویکردهای کمی و کیفی، درک بهتری نسبت به زمانی که هر رویکرد به صورت جداگانه به کار برده می‌شود، از موضوع تحقیق به دست می‌دهد (کرسول و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۴).

جدول ۱. مقایسه ابعاد مختلف پژوهش کیفی و کمی (محمدپور، ۱۳۸۹: ۲۴)

پژوهش کیفی	پژوهش کمی	پژوهش کیفی	پژوهش کمی	پژوهش کیفی	پژوهش کمی
نرم	سخت	انسان محور	محیط‌گرا	داده‌های عددی	داده‌های شفاهی
انعطاف پذیر	قالب‌مند	احتمال پذیر	تکرار پذیر	مقطعی	فرایندی

1. Phenomenologism
2. Mixed Method



پژوهش کیفی	پژوهش کمی	پژوهش کیفی	پژوهش کمی	پژوهش کیفی	پژوهش کمی
درون‌نگر	برون‌نگر	قوانین موقعیتی- خاص	قوانین	جهان‌شمول	صورت‌گرا
ذهنی	عینی	تعمیم تحلیلی	تعمیم آماری	معناگرا	رفتارگرا
سیاسی	بی‌تفاوت	ظهوریابنده	کنترل شده	نظام معنایی	نظام قواعدی
موردی	پیمایشی	مفهوم و مقوله	متغیر	اعتمادپذیری	اعتبار و روایی
تاملی	قواعدی	تفهم	تبیین	استفهامی	فرضیه‌ای
نظریه‌سازی	نظریه‌آزمایی	تفسیری	تحلیلی	ارزش‌مدار	فراغت ارزشی
زمینه‌ای	انتزاعی	استقرایی	قیاسی	تفسیرهای چندگانه	علت و معلول

اگرچه در کنار هم قرار گرفتن روش‌های تحقیق کیفی و کمی، تا حدی به پوشش و رفع کاستی‌های هر یک کمک کرده است اما همچنان در روش تحقیق تلفیقی (آمیخته)، مسئله اصلی و محتوایی باقی‌مانده و منبع اصلی برای پاسخ به مسائل در حوزه علوم انسانی و رفتاری، مورد غفلت واقع شده است. همچنان که اشاره شد، در روش‌های تحقیق کمی برای پاسخ به مسائل، به واقعیت‌های موجود رجوع می‌شود و دانش مبتنی بر واقعیت‌های قابل مشاهده، اصالت دارد. در روش تحقیق کیفی نیز حقیقت، امری ساخته‌جامعه دانسته می‌شود که توسط مردم معنا می‌یابد و حقیقت به جای یک واقعیت صرفاً خارجی، زاینده برداشت انسان از مشاهدات خود تلقی می‌شود. حال سؤال این است که آیا ذهن انسان با تمام محدودیت‌هایش از یک سو و نقص نسبی و مطلق دانش بشری از سوی دیگر، می‌تواند به نسخه‌ای شفاف‌بخش برای حل مسائل انسانی و اجتماعی دست یابد؟ به عبارت دیگر، آیا انسان به عنوان یک موجود، از احاطه کافی و کامل بر خود بهره‌مند است که بتواند نسخه سعادت‌بخش زندگی انسانی را ارائه نماید؟ پاسخ به این سؤال قطعاً منفی است و فلسفه بعثت انبیا و ارسال رسل از سوی خداوند متعال برای ارائه دستورهای دینی به انسانها نیز این مهم را تأیید می‌کند. تعبیر دین به «دستور زندگی» نیز قائم به این مهم است که انسان به خودی خود، قادر به تبیین و یافتن روش مطلوب زندگی نیست. بر این اساس اگر هدف، استخراج مفاهیم و مطالب از متون دینی به منظور پاسخگویی به سؤالات در حوزه علوم انسانی باشد، نیاز به روشی است که در کنار فهم متون دینی، استنباط پاسخهای مورد نیاز را نیز ممکن نماید.



۱-۲- مفهوم علم دینی

یکی از مفاهیم مورد بحث در ادبیات علمی کشور در حال حاضر، موضوع علم دینی است. با توجه به اینکه به نظر می‌رسد این مفهوم به شکلی مناسب درک نشده است؛ از این رو مقاومت‌هایی در برابر آن وجود دارد. یکی از دلایل مقاومت در برابر این مهم، عدم درک واقعی مفهوم علم دینی است. دلیل دیگر این است که تعبیری که برای مفهوم علم دینی به کار رفته است، سؤالات و تردیدهایی جدی را در پی داشته است. بیشترین مغالطات و اشتباهاتی که در این باره رخ داده است، عموماً ناشی از سه موضوع است: ۱- محدود کردن گستره معنای دین؛ ۲- نادیده گرفتن محدودیتهای علم و ۳- علم انگاشتن آنچه در کتابهای علمی مطرح می‌شود. مخالفان نظریه علم دینی بر عینی بودن علم و گزاره‌های علمی تأکید می‌کنند و این عینیت را با «دینی بودن» و «غیردینی بودن» علم ناسازگار می‌دانند. به طوری که از عبارتهای مکرر آنان این است که «علم علم است؛ دینی و غیردینی بر نمی‌دارد». مراد آنان این است که علم، عینیت دارد و از این رو نمی‌تواند صفت دینی بودن یا غیردینی بودن بگیرد (مسعودی، ۱۳۸۸: ۴۷).

در جهان اسلام، ابوالعلا مودودی اولین کسی بود که تأکید داشت نباید علم را به علم سکولار و علم دینی و غیره تقسیم نمود. به عقیده وی، هر علمی که نیازهای انسان را رفع کند و انسان را به اسرار طبیعت نزدیک سازد، اسلامی تلقی می‌شود. همین سخن نیز از استاد مطهری شنیده شد که بیان نمودند «علم را به دینی و غیردینی تقسیم نکنید و نگویید که فقط آن معارف خاص، دینی است و آنهای دیگر غیردینی هستند. شمول و جامعیت اسلام حکم می‌کند که هر علمی را که به جامعیت اسلامی مربوط است، علم دینی تلقی کنیم» (گلشنی، ۱۳۷۸: ۲-۳). از منظر آیت‌الله جوادی آملی نیز جدایی و نزاع علم و دین یا به عبارتی عقل و دین، محصول تصویری ناصواب از نسبت علم و دین است و بر این مبنا قرار دارد که عقل در معنای وسیع آن که علم نیز یکی از نمودهای آن است، در مقابل دین است و معرفت بشری، بیگانه و جدای از معرفت دینی است و آنچه را دین می‌گوید، برون مرزی است. از نظر ایشان، کلید حل این نزاع و تقابل موهوم و آشکار کردن نسبت واقعی «عقل و دین» و «علم و دین»، در گرو تعیین جایگاه و منزلت عقل در درون هندسه معرفت دینی است. تأکید ایشان بر اینکه عقل همگام با نقل- کتاب و سنت- تأمین‌کننده معرفت دینی است و چتر دین بر سر این دو منبع گسترده است، به این نکته می‌انجامد که معرفت عقلانی و دانش علمی بیرون از قلمرو معرفت دینی نیست و هرگز عقل به عنوان یکی از منابع معرفت دینی در مقابل دین قرار نمی‌گیرد بلکه عقل در برابر نقل است؛ نه در برابر دین (واعظی، ۱۳۸۷: ۱۱)؛ از این رو از نگاه استاد جوادی آملی،



علم از دو حال خارج نیست؛ یا الهی است یا الحادی و اساساً چیزی به نام علم سکولار و خنثی و بی طرف نسبت به الحاد و ایمان وجود ندارد (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۱۴۱)؛ بنابراین به نظر می‌رسد دینی‌سازی علم معطوف به تغییر نگرش به فلسفه علم و جهان بینی فلسفی و نگاه به موضوع علم به عنوان خلقت الهی است (واعظی، ۱۳۸۷: ۲۱)؛ از این رو دینی بودن علم بدین معناست که علم بتواند به صورت منطقی و روشمند نسبت خود را به وحی، یعنی قرآن و سنت نشان دهد. البته معنای این سخن، نقلی شدن تمامی علوم نیست بلکه باید منطق و حجیت علوم به تأیید نقل برسد و ولایت الهی بر جریان و فرایند علم، حاکم شود (میرباقری، ۱۳۸۷: ۱۱۶) که تولید چنین علمی مبتنی بر فلسفه شدن و روش‌شناسی معینی است (خسروپناه، ۱۳۹۱: ۹).

۱-۳- بومی‌سازی علم

مفهوم دیگری که در حوزه تولید علم و علوم انسانی اسلامی باید مورد توجه قرار گیرد، مفهوم «بومی‌سازی علم» است. بومی‌سازی علم به معنای ایجاد و هماهنگ‌سازی دانشها با توجه به داشته‌ها و پشتوانه‌های تمدنی است تا بتواند پاسخگوی نیازهای جامعه باشد؛ پس درباره بومی‌سازی علوم انسانی در کشور باید گفت که «بومی‌سازی علم» به دنبال هماهنگ کردن دانشهای جدید با شرایط زمانی و مکانی است (سیدباقری، ۱۳۹۰: ۱۱). در واقع، می‌توان بومی‌گرایی در علم را بدین شکل تعبیر نمود که به عنوان یک وظیفه معرفتی باید تلاش شود تعبیرهایمان از نظریه‌های علمی‌ای که به آنها باور داریم، با باورهای پایه‌ای و اصیلمان، سازگار و درحالت قوی‌تر، منسجم باشد. بر این اساس، بومی‌شدن علوم انسانی نیز به معنای سنخیت داشتن با نیازها و قابلیت‌های یک جامعه، متناسب با نظام دانایی مسلمانان، متناسب با موضوعات متعلق به علم و نیز متناسب با حوزه روش‌شناختی است (پورفر، ۱۳۹۰: ۱۴). با توجه به آنچه مورد اشاره قرار گرفت، دین‌گرایی به عنوان یک نمونه از بومی‌گرایی، به این معنا خواهد بود که نخست تلاش شود تعبیرهایی از علم معاصر ارائه گردد که با باورهای اصیل اسلامی سازگار بوده و با آنها انسجام بیشتری داشته باشد. دوم اگر مشخص شد که برخی نظریه‌های علمی معاصر هیچ تعبیری نمی‌پذیرند که با باورهای اصیل اسلامی سازگار شوند، باید تلاش نمود نظریه‌های علمی جایگزین ارائه شود که بدون از دست دادن کفایت تجربی، تعبیر سازگار و در حالت قوی‌تر منسجم با باورهای اسلامی را بپذیرند (خوشنویس، ۱۳۸۸: ۱۶). باید توجه داشت که دانش بومی اصولاً پای در سنت دارد و نمی‌توان بدون حضور سنت، نظریه‌پردازی کرده و به سمت دانش بومی حرکت نمود. سنت همواره با بشر



است و این نباید با عادت و تقلید خلط شود. رنسانس نیز که آغاز نوگرایی غربی به شمار می‌رود، با بازگشت به میراث کهن یونان آغاز شد و سپس اندیشه‌وران آن دوران توانستند با بازخوانی، بازفهمی و بازسازی آن اندیشه‌ها، نظریه‌پردازی برای اموری فراتر از آن دوران را طرح کنند. سنت، تداوم جریان همه جانبه تاریخی و فرهنگی است که تداوم و پیوستگی خود را در عین تحرک و پیشرفت در مظاهر اساسی زبان، ادبیات، هنر، فلسفه و راه و رسم زندگی نشان می‌دهد. به تعبیر دیگر، سنت میراث گذشته است اما بسته و وابسته به گذشته نیست که رویاروی دنیای مدرن ایستاده باشد. سنت همواره در متن زندگی جاری است؛ اگر سنت از علوم بومی گرفته شود، ستون خیمه آن فرو می‌ریزد؛ از این رو نکته اساسی در دانش بومی، پویایی و حضور همیشگی آن است. دانشهای بومی نمی‌توانند بدون توجه به مسائل جامعه و آنچه در پیرامون آنها می‌گذرد، سر کنند. بر این اساس، اندیشه‌وران این علوم باید به ظرفیت نوشونده سنت مراجعه کنند تا بتوانند در دنیای امروز در کنار دیگر گفتمانها، حضوری پویا داشته باشند. در بومی‌سازی دانشها بر این امر تفتن وجود دارد که نمی‌توان پرسشهای انسان مدرن و انتقادات او را نادیده گرفت و در کنج عافیت روزگار گذراند (سیدباقری، ۱۳۹۰: ۱۱).

۲- روش‌شناسی علوم قرآنی

بحث از روش‌شناسی علوم قرآنی را می‌توان بخشی از مباحث مربوط به فلسفه علوم قرآن دانست؛ از این رو با توجه به اینکه هر یک از علوم قرآن به عنوان یک علم مطرح هستند، باید روش‌شناسی خاصی نیز برای تحقیق در مسائل و مباحث گوناگون هر یک از آنها ارائه نمود. این مهم، زمینه رشد و توسعه علوم قرآنی را فراهم خواهد ساخت (فتح‌الهی، ۱۳۸۸: ۱۵۲). به طور کلی می‌توان روشهایی را که علوم اسلامی از آنها برای تحقیقات خود بهره برده‌اند، در سه روش عقلی، نقلی و شهودی دسته‌بندی کرد. در روش عقلی، اسلوب بحث، قائم بر استدلال عقلی و برهان یقین‌آور است (مصباح‌یزدی، ۱۳۶۴: ۱۰۶). در روش نقلی، سماع از گذشتگان و اعتماد بر اسناد تاریخی ملاک عمل است و با توجه به اینکه علوم شرعی اسلامی مستند به قرآن کریم و سنت نبوی هستند، رسیدن به آنها جز از طریق نقل ممکن نیست و صحت علوم نقلی نیاز به صحت نقل دارد. در روش شهودی نیز اعتماد بر شناخت شهودی و مبنا قرار دادن آن برای تفسیر عالم و شناخت نفس و شناخت خداوند به عنوان روش اساسی پذیرفته شده است (یثربی، ۱۳۷۲: ۳۳). باید توجه داشت که نگرش شهودی به معرفت دینی، ویژه عارفان است که کشف و شهود قلبی را تنها منبع موثق برای درک حقایق دینی می‌دانند (فتح‌الهی، ۱۳۸۶: ۱۵۴). از سوی دیگر، روشهای مختلف در حوزه مطالعات دینی را می‌توان به سه روش



«درون دینی»، «برون دینی» و «روشهای تلفیقی» تقسیم کرد. رده‌بندی مطالعات دینی به درون دینی و برون دینی با دو منظر انجام می‌گیرد؛ گاه خود دین ملاک رده‌بندی است. در این صورت، معرفت درون دینی به معنای معرفت مقتبس از دین یا آموزه‌های دینی و معرفت برون دینی به معنای معرفت مقتبس از غیردین و آموزه‌های برون دینی است (فرامرزقراملکی، ۱۳۸۵: ۲۳۱). اما مرزبندی درون دینی و برون دینی با چنین اطلاق و دلالتی مورد نقد قرار گرفته و مرزبندی درون دینی و برون دینی از مثله کردن حقیقت دین نشئت می‌گیرد (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۱۹۴). دیدگاه دوم در تقسیم‌بندی مطالعات دینی به درون دینی و برون دینی، به منبع مورد استفاده اشاره دارد. بر این اساس، مراد از روشهای درون دینی، روشها و رویکردهایی است که با مراجعه به متون دینی (قرآن و سنت) به توصیف، مفهوم‌سازی، توجیه و تبیین می‌پردازند؛ بنابراین اگر هر کسی (اعم از دیندار و غیردیندار) در هر مسئله‌ای (اعم از دینی، طبیعی و...) با مراجعه به متون دینی و با استناد به آنها سخن بگوید، روش وی دینی است و نقطه مقابل آن، روش غیرنقلی یا غیرسمعی است که به اصطلاح آن را برون دینی می‌نامند (فرامرزقراملکی، ۱۳۸۵: ۲۳۲).

با توجه به آنچه در خصوص علم دینی و روش‌شناسی علوم قرآنی مورد اشاره قرار گرفت، می‌توان در مورد جایگاه روش‌شناسی علوم قرآن در مطالعات دینی چنین گفت که مطالعات قرآنی و علوم مربوط به قرآن از جمله تفسیر، عمدتاً در مطالعات درون دینی قابل دسته‌بندی هستند و در عین حال می‌تواند از روشهای سایر علوم نیز بهره ببرد؛ بنابراین از کثرت‌گرایی روش‌شناختی برخوردار بوده و به مطالعات میان‌رشته‌ای نیازمند هستند؛ از این رو اخذ رویکرد تلفیقی، بهترین شیوه در مطالعات علوم قرآن محسوب می‌شود.

۲-۱- رویکرد استنباطی- اجتهادی: مدلی در تحقیقات علوم انسانی اسلامی

محقق برای استفاده و کاربرد مدل ارائه شده که رویکرد استنباطی-اجتهادی نامگذاری شده است، پیش فرضی را باید بپذیرد. این پیش فرض عبارت است از اینکه قرآن کریم، کتاب هدایت و راهنمای همه انسانها در طول تاریخ است و اختصاص به عصری خاص یا اقلیمی مخصوص و نژادی ویژه ندارد؛ همچنان که در آیات متعددی از جمله آیه ۵۲ سوره قلم^۱ به این موضوع اشاره شده است. زبان قرآن، زبانی جهانی و منطبق با فطرت انسانهاست و قرآن کریم، کتابی ابدی است و داور نهایی در اندیشه دینی محسوب می‌شود. همچنان که در آیه ۳۰ از سوره روم خداوند چنین می‌فرماید:

۱. «وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ» در حالی که این (قرآن) جز مایه بیداری برای جهانیان نیست (سوره ۶۸: ۵۲)



«فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ»

«پس روی خود را متوجه آئین خالص پروردگار کن. این فطرتی است که خداوند، انسانها را بر آن آفریده؛ دگرگونی در آفرینش الهی نیست؛ این است آئین استوار؛ ولی اکثر مردم نمی دانند.»

در این روش، برای شناسایی و استخراج مفاهیم در حوزه مورد مطالعه، مانند حوزه مطالعات مدیریت، محقق می تواند از دو بازوی عقل و نقل به عنوان اصلی ترین منابع اجتهاد دینی استفاده نماید. محور نقل در حوزه اسلامی شامل دو بخش کتاب (قرآن کریم) و سنت (روایات و سیره معصومین) می باشد که قرآن کریم در این میان جایگاه ویژه ای دارد. از سوی دیگر، استنباط از هر یک از این دو منبع، نیازمند طی مقدماتی است. برای نمونه، یک محقق مدیریت که از دانش حوزوی و علم تفسیر قرآن برخوردار نیست، نمی تواند مستقیماً به آیات مراجعه و آنها را مورد مطالعه قرار دهد؛ چرا که در این صورت صرفاً در ترجمه آیات باقی خواهد ماند؛ از این رو به منظور پرهیز از برداشتهای شخصی و غیرمعتبر از آیات قرآن و همچنین به منظور محروم نشدن از سنت و سیره ائمه معصومین (ع)، باید از تفسیر آیات قرآن کریم به عنوان مبنای نمونه منتخب، استفاده نمود.

۲-۱-۱- انتخاب نمونه تحقیق در رویکرد استنباطی - اجتهادی

با توجه به پیش فرض تحقیق مبنی بر حقانیت و جامعیت قرآن کریم و بیان آموزه های مورد نیاز برای زندگی دنیا و آخرت انسان در این کتاب آسمانی، کفایت نظری نمونه گیری با بررسی تفسیر آیات قرآن کریم برای دستیابی به رویکرد اسلامی مفروض است. همچنین بررسی ها نشان می دهد که متخصصان علوم انسانی در طول ۱۴ قرن گذشته، تفاسیر متعددی را با رویکردهای مختلف روایی، فلسفی، سیاسی، فقهی، کلامی، تربیتی، ادبی، اجتماعی و ... به رشته تحریر درآورده اند که محقق می تواند از معتبرترین آنها استفاده نماید. در عین حال، در مطالعات حوزه مدیریت و سازمان می توان برای پاسخگویی به سؤالات تحقیق، از دو «تفسیر نور» و «تفسیر راهنما» به عنوان منبع اصلی جمع آوری داده و «تفسیر میزان» به منظور اعتبارسنجی مفاهیم مستخرج از تفسیر آیات بهره برد.

برخی از امتیازات مجموعه ۲۲ جلدی «تفسیر راهنما» که به منظور شناسایی آیات مرتبط با موضوعات پژوهشی می توان از آن بهره برده شد، بدین شرح است:



- بهره‌گیری از منابع معتبر و متعدد تفسیری در چارچوب اصول پذیرفته شده
- تلاش در داشتن جامعیت نگاه نسبت به مسائل ادبی، اخلاقی، عرفانی، تربیتی، اجتماعی، طبیعی و فقهی
- مبتنی بودن بر هم‌اندیشی و همفکری گروه‌های پژوهشی
- بهره‌گیری از معیارهای قرآنی در فهم قرآن
- توجه به روایات در تفسیر قرآن همراه با نگاه نقادانه نسبت به صحت و همخوانی آنها با متن قرآن و فرهنگ دینی
- بهره‌گیری از نمایه‌ها به دو شکل - هم در پایان هر آیه و هم در پایان هر جلد
- به منظور تسهیل دستیابی به معارف مرتبط و پژوهش موضوعی در قرآن
- بهره‌مندی از طبقه‌بندی موضوعی
- معاصر بودن تفسیر
- همچنین برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های مجموعه ۱۲ جلدی «تفسیر نور» که از آن به عنوان منبع شناسایی و بهبود برداشتهای حاصل از آیات می‌توان بهره برد، به شرح زیر است (رازینی، ۱۳۸۹: ۱۸۶-۱۸۵):
- این تفسیر از اصطلاحات فنی، ادبی، فقهی، کلامی و فلسفی که فهم آن مخصوص گروه خاصی است احتراز کرده و تقریباً نیازمند هیچ پیش‌نیازی در فهم نمی‌باشد.
- از تفسیر به رأی احتراز شده و تنها از متن آیات یا روایاتی که از اهل بیت (ع) آمده استفاده شده است.
- بیشتر پیامها و درسها از متون معتبر شیعی و سنی استفاده شده است.
- از دوازده تفسیر معتبر شیعه و سنی از جمله تفسیر فی ظلال، مراعی، فخر رازی، قرطبی، مجمع البیان، نور الثقلین، صافی، المیزان، نمونه، کشاف، اطیب البیان فرقان در آن استفاده شده است.
- از ساختار ابتکاری و جالب توجه آرائه مطالب ذیل هر آیه شامل متن آیه، ترجمه آیه، نکته‌های آیه (ریشه، لغات، شأن نزول، آیات مرتبط و روایات ذیل آیه)، پیامهای آیه (ذیل مفردات کلمات آیه) و پاورقی‌ها برخوردار است.
- در خصوص تفسیر هر آیه، بخشی با عنوان پیامها آمده است که مقصود اصلی مؤلف از این تفسیر، همین بخش بوده تا نشان دهد قرآن، کتاب زندگی بشر در همه عصرها و برای همه نسلها می‌باشد. آرائه نکات قابل برداشت از هر آیه در قالب این پیامها در تفسیر نور، زمینه استخراج مضامین مرتبط با مسئله تحقیق را فراهم ساخت.



- رویکرد عمومی این تفسیر، روش تفسیر قرآن به قرآن است که از جمله معتبرترین روشهای تفسیری قرآن است.

در خصوص تفسیر المیزان نیز می‌توان گفت که جایگاه رفیع این تفسیر و مؤلف گرانقدر آن در دوران معاصر و بلکه در تاریخ حیات علمی شیعه، می‌تواند معیار انتخاب این تفسیر برای اعتبارسنجی برداشتهای قرآنی قرار گیرد. از جمله ویژگی‌های این تفسیر، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- روش قرآن به قرآن: علامه طباطبایی در این تفسیر از روش قرآن به قرآن که روشی جدید محسوب می‌شود، بهره برده است.

۲- تفسیر ترتیبی: در این تفسیر، مفسر جنبه ترتیبی را با کمال دقت و ظرافت دنبال کرده است.

۳- وحدت موضوعی هر سوره: از دیگر ویژگی‌های این تفسیر، مطرح کردن مسئله وحدت موضوعی هر سوره است. تفسیر هر سوره دارای هدف خاصی است که آن را با مقدمه‌ای ظریف دنبال می‌کند و به طرز شیوایی به پایان می‌رساند.

۴- وحدت کلی قرآن: سومین ویژگی تفسیر المیزان، سریان و جریان یک روح کلی و حاکم بر سراسر قرآن است که بر تمامی آیات و سوره‌ها سایه افکنده است و حقیقت و جان کلام الهی را تشکیل می‌دهد.

۵- توجه به مشکلات و سؤالات محافل علمی: علاوه بر تفسیر قرآن به قرآن، علامه طباطبایی به مشکلات و سؤالات محافل علمی نیز توجه داشته و درصدد پاسخگویی به آنها برآمده است.

۶- تفسیر آیه به آیه: علامه طباطبایی هنگام تفسیر یک آیه، قدرت عجیبی از خود نشان داده‌اند که احاطه کامل ایشان را می‌رساند؛ تا آنجا که از ویژگی‌های این تفسیر عظیم‌النشان به شمار می‌آید؛ بدین صورت که در تفسیر یک آیه مشخص کرده‌اند که کدام آیات برای حل ابهام آیه حاضر مفید و قابل استفاده است (معرفت، ۱۳۹۲: ۱۳).

۲-۱-۲- مراحل اجرای پژوهش با رویکرد استنباطی - اجتهادی

همانطور که اشاره شد، در رویکرد استنباطی - اجتهادی، منبع اصلی تأمین محتوا برای مطالعه و پژوهش، منابع نقلی و عقلی است. در این بین، منابع نقلی شامل کتاب (قرآن کریم) و سنت (روایات و سیره معصومین) می‌باشد که قرآن کریم به عنوان جامع‌ترین کتاب، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. باید توجه داشت که در رویکرد ارائه شده، ترکیبی در ساحت روش تحقیق صورت گرفته است؛ بدین معنی که این رویکرد تأکید می‌کند



برای نظریه‌پردازی در یک موضوع علمی، همزمان باید از روش تجربی، روش عقلی و روش اجتهادی که در حوزه معرفت دینی مورد استفاده قرار می‌گرفت، بهره برد. علمی که از این طریق به دست می‌آید، از آنجا که مبتنی بر دو روش دینی و تجربی است، می‌تواند علم دینی نامیده شود (بی‌نام، ۱۳۸۵: ۶). بر این اساس، مدلی برای اجرای پژوهش در رویکرد استنباطی-اجتهادی همچنان که در شکل ۱ ارائه شده است، مشتمل بر ۱۱ گام به شرح زیر خواهد بود:

گام اول: مرور و تدبّر در قرآن و شناسایی آیات مرتبط با موضوع پژوهش: در این گام، محقق باید با مطالعه و تدبّر در قرآن کریم، آیات مرتبط با موضوع پژوهش را شناسایی کند. در این راستا، محقق می‌تواند از تفسیرهایی که تفسیر موضوعی ارائه می‌کنند، استفاده نماید. تفسیر موضوعی، عبارت است از تطبیق آیات بر مصداق‌ها و موضوع‌های بیرونی (کافی، ۱۳۹۱: ۸۳). این کاربرد قاعدتاً به دو دلیل اصلی صورت می‌گیرد؛ نخست تفسیر راهنما از طبقه‌بندی موضوعی برخوردار است و از این رو دسترسی به آیاتی که در حوزه مورد مطالعه قابل طبقه‌بندی است؛ در عین رعایت دقت، تسهیل می‌شود. دوم، در تفسیر راهنما، نمایه‌ها به دو شکل - هم در پایان هر آیه و هم در پایان هر جلد - به منظور تسهیل دستیابی به معارف مرتبط و پژوهش موضوعی در قرآن ارائه شده است و این مهم، کار محقق را در حرکت در مسیر تحقیق هموار می‌کند. بر همین اساس، چارچوب تحلیل و ذهنیت اولیه از کلیت آیات قرآن در خصوص موضوع پژوهش برای محقق شکل خواهد گرفت.

نکته‌ای که در این گام باید مورد توجه قرار گیرد، این است که تمام آیات مرتبط با موضوع تحقیق باید مورد مطالعه قرار گیرد؛ یعنی هم آیات مترادف و هم آیات متضاد با موضوع باید مطالعه و بررسی شود. برای نمونه، اگر محقق قصد پژوهش در خصوص عدالت در سازمان را دارد، باید تمام آیات مرتبط با عدل، از جمله مساوات، قسط، اعتدال، دادخواهی، برابری، ظلم، حیف و جور مورد شناسایی و مطالعه قرار گیرد.

گام دوم: استخراج مضامین و پیامهای مرتبط از تفسیر قرآن: در این گام، با مراجعه به آیات شناسایی شده در گام نخست و مطالعه دقیق و تدبّر در تفسیر آنها بر اساس تفسیرهای معتبر، از جمله تفسیر «نور» و «نمونه»، مضامین هر یک از آیات در خصوص موضوع مورد مطالعه، شناسایی و استخراج می‌شود. بر همین اساس، برای تک تک آیات، پیام یا پیامهای مرتبط با موضوع تحقیق استخراج می‌شود.

گام سوم: استفاده از دو کدگذار برای اعتبارسنجی مضامین و پیامهای استخراج شده:

در این گام، از دو کدگذار مستقل برای اعتبارسنجی مضامین و پیامهای استخراج



شده استفاده می‌شود؛ بدین صورت که به صورت تصادفی ساده، از بین کل آیات مورد مطالعه، تعدادی از آیات انتخاب و به صورت مستقل در اختیار کدگذاران قرار داده می‌شود. نظرات اصلاحی کدگذاران پس از دریافت و جمع‌بندی، در مضامین و پیامهای استخراج شده، اعمال می‌گردد.

گام چهارم؛ اعتبارسنجی مفاهیم استخراج شده بر اساس تفسیر المیزان: در این گام، با مراجعه به تفسیر المیزان و انطباق مفاهیم استخراج شده با این تفسیر، در صورت نیاز، اصلاحات لازم در مفاهیم شناسایی شده صورت می‌گیرد. باید توجه داشت که به دلیل جامعیت تفسیر المیزان و تأکید مراجع دینی بر این مهم، این تفسیر به عنوان مرجع اعتبارسنجی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

گام پنجم؛ تبیین نهایی مفاهیم شناسایی شده: در این گام، پیامهای استخراج شده که مورد اعتبارسنجی بر اساس تفسیر المیزان قرار گرفت، نهایی و مفاهیم شکل می‌گیرد. تبیین مفاهیم در این گام، مشابه کاری است که محققان در تحلیل محتوا انجام می‌دهند. گام ششم؛ کدگذاری مفاهیم (پیامها) استخراج شده: در این گام، پیامهای استخراج شده از آیات، کدگذاری می‌شوند. کدهای اختصاص داده شده به آیات، متناسب با نیاز می‌تواند مشتمل بر سه نوع کدهای آیات مترادف، کدهای آیات متضاد و کدهای آیات مشترک باشد. برای تحلیل‌های کامل‌تر، ضروری است کدهای استخراج شده قابل ردیابی و شناسایی باشد. بدین منظور می‌توان از رویکردی بدین شرح بهره برد: الف. کدگذاری آیات هم‌معنی و مترادف: کدهایی که برای مثال می‌تواند به صورت «ن.م.۲-۱۲۴-۱» باشد. این کد نشان‌دهندهٔ نکتهٔ اول استخراج شده از آیهٔ یکصد و بیست و چهارم از سورهٔ دوم قرآن است. عبارت «ن.م.» نیز مخفف دو واژهٔ نکته و مترادف می‌باشد.

ب. کدگذاری آیات متضاد: کدهایی که برای مثال به صورت «ن.ض.۲-۳۵-۱» می‌باشد. این کد نشان‌دهندهٔ نکتهٔ اول استخراج شده از آیهٔ سی و پنجم از سورهٔ دوم قرآن است. عبارت «ن.ض.» نیز مخفف دو واژهٔ نکته و متضاد می‌باشد.

ج. کدگذاری آیات مشترک: کدهایی که برای مثال به صورت «ن.م.ض.۲-۲۸۱-۱» می‌باشد. این کد نشان‌دهندهٔ نکتهٔ اول استخراج شده از آیهٔ دویست و هشتاد و یکم از سورهٔ دوم قرآن است؛ عبارت «ن.م.ض.» نیز مخفف سه واژهٔ نکته، مترادف و متضاد می‌باشد.

گام هفتم؛ استخراج مقوله‌ها: در این گام، مفاهیم شناسایی شده، همگون‌سازی



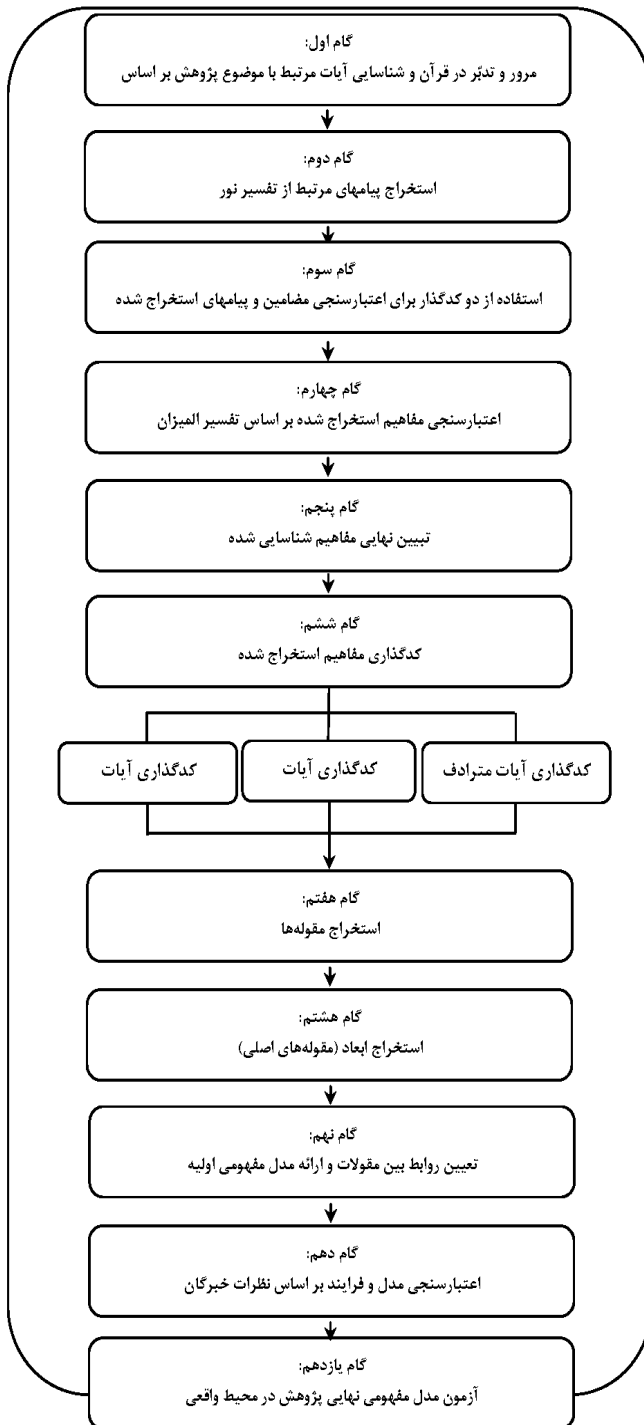
می‌شود؛ بدین معنی که مفاهیم همگون (مشابه و نزدیک به هم)، با یکدیگر ترکیب شده و بر این اساس، مقوله‌ها شکل می‌گیرد.

گام هشتم؛ استخراج ابعاد (مقوله‌های اصلی): پس از شناسایی مقوله‌ها، در صورت امکان، مقوله‌های استخراج شده همگون‌سازی می‌شود؛ بدین معنی که مقوله‌های همگون (مشابه و نزدیک به هم)، با یکدیگر ترکیب شده و بر این اساس، ابعاد (مقوله‌های اصلی) شکل می‌گیرد.

گام نهم؛ تعیین روابط بین ابعاد و ارائه مدل مفهومی اولیه: در این گام، روابط بین ابعاد شناسایی شده، تبیین و در صورت امکان، در قالب یک مدل مفهومی طراحی می‌شود.

گام دهم؛ اعتبارسنجی مدل بر اساس نظرات خبرگان: در این گام، مدل مفهومی طراحی شده مشتمل بر مفاهیم، مقوله‌ها و ابعاد شناسایی شده در اختیار تعدادی از خبرگان و صاحب‌نظران حوزوی و دانشگاهی مرتبط با موضوع قرار داده می‌شود و نظرات ایشان، دریافت و اصلاحات لازم در مدل اعمال می‌شود. برای ارزیابی و اعتبارسنجی مدل طراحی شده، نظرات حداقل دو فرد یا دو شاهد ارزشگذار از حوزه نیاز است. اجرای این گام برای تحقق روایی و اطمینان از حسن استخراج مفاهیم، ضروری است.

گام یازدهم؛ آزمون مدل مفهومی نهایی پژوهش در محیط واقعی: در این گام، مدل طراحی شده پژوهش، در محیط واقعی و در صحنه عمل (که می‌تواند جامعه آماری مورد مطالعه مانند یک سازمان باشد)، به آزمون گذاشته می‌شود. در این گام، محقق می‌تواند از روشهای متداول گردآوری داده‌ها از جمله پرسشنامه و... استفاده نماید. گامهای یازده گانه اجرای پژوهش در شکل ۱ نمایش داده شده است.



شکل ۱. مدل طراحی شده برای انجام پژوهشهای بنیادی در حوزه مطالعات مدیریت اسلامی



ارائه مثالی از کاربرد مدل پیشنهادی:

«عدالت» نقش مهمی را در پویایی‌های روابط سازمانی ایفا می‌کند و از این رو از موضوعات مورد توجه مدیران و کارکنان است. بر این اساس، با توجه به بافت فرهنگی-اجتماعی سازمانهای کشور، شناسایی شاخصهای عدالت توزیعی در سازمان با رویکرد اسلامی ضروری است؛ از این رو با توجه به مدل تشریح شده در مرحله قبل، گامهای ۱۱ گانه برای احصای مفاهیم عدالت توزیعی به شرح زیر خواهد بود:

گام اول: مرور و تدبیر در قرآن و شناسایی آیات مرتبط با موضوع پژوهش: در این گام، از تفسیر راهنما استفاده شد. تعداد آیات شناسایی شده مرتبط با موضوع پژوهش (اعم از آیات موافق و مخالف با موضوع مورد مطالعه)، ۶۲۸ آیه بوده است؛ بدین صورت که ۱۵۵ آیه از ۵۹ سوره قرآن کریم مرتبط با واژه عدل، مساوات، قسط، اعتدال، دادخواهی، مساوات و برابری؛ ۴۱۹ آیه از ۶۴ سوره قرآن کریم مرتبط با واژه ظلم و جور و ۵۴ آیه از ۲۵ سوره قرآن کریم نیز به صورت مشترک هم درباره عدل و هم درباره ظلم مورد مطالعه قرار گرفت.

گام دوم: استخراج مضامین و پیامهای مرتبط از تفسیر قرآن: در این گام، با مراجعه به آیات شناسایی شده در گام نخست و مطالعه دقیق و تدبیر در تفسیر آنها بر اساس تفسیر نور، مضامین هر یک از آیات شناسایی و بر اساس آن، کدگذاری صورت پذیرفت. مجموع پیامهای مستخرج در این مرحله بالغ بر ۱۷۰۰ مورد گردید.

گام سوم: استفاده از دو کدگذار برای اعتبارسنجی مضامین و پیامهای استخراج شده: در این گام، از دو کدگذار مستقل برای اعتبارسنجی مضامین و پیامهای استخراج شده استفاده شد؛ بدین صورت که به صورت تصادفی ساده و در سطح اطمینان ۹۵ درصد، از بین ۶۲۸ آیه، ۲۳۸ آیه انتخاب و به صورت مستقل در اختیار کدگذاران قرار داده شد. نظرات اصلاحی کدگذاران پس از دریافت و جمع‌بندی، در مضامین و پیامهای استخراج شده، اعمال شد.

گام چهارم: اعتبارسنجی مفاهیم استخراج شده بر اساس تفسیر المیزان: در این گام، با مراجعه به تفسیر المیزان و انطباق مفاهیم استخراج شده با این تفسیر، در صورت نیاز اصلاحات لازم در مفاهیم شناسایی شده صورت گرفت.

گام پنجم: تبیین نهایی مفاهیم شناسایی شده: در این گام، پیامهای استخراج شده که بر اساس تفسیر المیزان مورد اعتبارسنجی قرار گرفتند، نهایی شده و مفاهیم شکل گرفت.

گام ششم: کدگذاری مفاهیم (پیامها) استخراج شده: در این گام، مفاهیم استخراج



شده از آیات، کدگذاری شدند. تعداد کل کدهای تعیین شده در این مرحله، بالغ بر ۳۲۳۳ مورد گردید.

گام هفتم؛ استخراج مقوله‌ها: در این گام، مفاهیم شناسایی شده، همگون‌سازی شد؛ بدین معنی که مفاهیم همگون، با یکدیگر ترکیب شده و بر این اساس، متغیر عدالت توزیعی با رویکرد اسلامی تبیین شد.

گام هشتم؛ استخراج ابعاد (مقوله‌های اصلی): با توجه به اینکه مسئله پژوهش، در سطح مقوله (متغیر) مورد مطالعه قرار گرفت؛ از این‌رو استخراج بُعد (مقوله اصلی) موضوعیت ندارد.

گام نهم؛ ارائه مدل مفهومی: مجموعه مؤلفه‌های استخراج شده در جدول ۲ ارائه شده است.

گام دهم؛ اعتبارسنجی مدل و فرایند اجرا بر اساس نظرات خبرگان: در این گام، مفاهیم شناسایی شده به روش دلفی در اختیار پنج تن از خبرگان و صاحب‌نظران حوزوی و دانشگاهی مرتبط با موضوع قرار داده شد و نظرات ایشان، دریافت و اصلاحات لازم اعمال گردید.

نتیجه کدگذاری داده‌ها، استخراج مفاهیم و همگون‌سازی آنها نشان داد که مقوله «عدالت توزیعی» با رویکرد اسلامی، از ۱۶ مفهوم تشکیل شده است. همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، مفاهیم طبقه‌بندی شده در مقوله عدالت توزیعی عبارتند از: ۱- تناسب و سنخیت بازده‌های دریافتی و عمل انجام شده؛ ۲- موجه و معقول بودن بازده‌های دریافتی در مقابل عمل انجام شده؛ ۳- میزان چیزهای داده شده در مقابل بازده‌های دریافتی؛ ۴- ایجاد فرصت برابر برای بروز توانایی‌ها و شایستگی‌ها؛ ۵- توزیع امکانات و پیامدها متناسب با نیازها و ظرفیتها؛ ۶- تناسب و سنخیت کار واگذار شده و امکانات فرد؛ ۷- تناسب و سنخیت کار واگذار شده و توان جسمی فرد؛ ۸- تناسب و سنخیت کار واگذار شده و توان فکری فرد؛ ۹- رعایت مساوات در توزیع امکانات؛ ۱۰- مراتبی بودن بازده‌های دریافتی؛ ۱۱- پاداش مضاعف در برابر عمل نیکو؛ ۱۲- تأمین نیازهای اساسی برای همه افراد؛ ۱۳- پاسخگویی هر فرد در ازای مسئولیت پذیرفته شده؛ ۱۴- بسترسازی برای خودیابی و تعالی انسانها؛ ۱۵- صرفه‌جویی و پرهیز از اسراف در توزیع و ۱۶- توجه به اعمال در کنار نیت برای تشویق و تنبیه.

مجموع فراوانی مفاهیم تشکیل دهنده عدالت توزیعی، ۴۷۳ مفهوم می‌باشد.



جدول ۲. مفاهیم تشکیل دهنده مقوله عدالت توزیعی با رویکرد اسلامی

مفاهیم	فراوانی
تناسب و سنخیت بازده‌های دریافتی و عمل انجام شده	۱۹۲
موجه و معقول بودن بازده‌های دریافتی در مقابل عمل انجام شده	۱۳۳
پاسخگویی هر فرد در ازای مسئولیت پذیرفته شده	۳۰
مراتبی بودن بازده‌های دریافتی	۲۲
میزان چیزهای داده شده در مقابل بازده‌های دریافتی	۱۸
تناسب و سنخیت کار واگذار شده و توان جسمی فرد	۱۵
تناسب و سنخیت کار واگذار شده و توان فکری فرد	۱۴
پاداش مضاعف در برابر عمل نیکو	۹
توجه به اعمال در کنار نیت برای تشویق و تنبیه	۸
رعایت مساوات در توزیع امکانات	۸
توزیع امکانات و پیامدها متناسب با نیازها و ظرفیتها	۶
تأمین نیازهای اساسی برای همه افراد	۵
تناسب و سنخیت کار واگذار شده و امکانات فرد	۴
بسترسازی برای خودیابی و تعالی انسانها	۴
صرفه‌جویی و پرهیز از اسراف در توزیع	۴
ایجاد فرصت برابر برای بروز توانایی‌ها و شایستگی‌ها	۱

گام یازدهم؛ آزمون مدل مفهومی نهایی پژوهش در محیط واقعی: در این گام، می‌توان شاخصهای شناسایی شده را که در جدول ۲ ارائه شده است، از طریق طراحی پرسشنامه در جامعه آماری مورد مطالعه، به آزمون نهاد؛ بدین معنی که میزان ادراک از عدالت توزیعی با رویکرد اسلامی را در جامعه آماری هدف، ارزیابی نمود.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

هدف اصلی در مقاله حاضر، ارائه مدلی برای انجام پژوهشهای بنیادی در حوزه مطالعات مدیریت اسلامی بوده است. بر این اساس، ابتدا مفهوم علم دینی مورد بحث و بررسی قرار گرفت و بر این مهم تأکید شد که جدایی و نزاع علم و دین یا به عبارتی عقل و دین، محصول تصویری ناصواب از نسبت علم و دین است. دانش تجربی و علمی یا در فضای تفکر ماتریالیستی و الحادی که عالم را طبیعت می‌داند، شکل می‌گیرد یا در چارچوب



فلسفه الهی که عالم را خلقت و صنع الهی می‌داند و چون حالت سومی وجود ندارد، پس تقسیم علم، ثنایی می‌شود و در کنار این دو نمی‌توان از علم سکولار و بی‌طرف به عنوان گونه‌ای دانش مستقل از دو قسم الهی و الحادی یاد کرد؛ از این رو علم ذاتاً با دین تعارضی ندارد و با آن آشتی‌پذیر است. چنانکه فلسفه علم ذاتاً همین‌طور است؛ اما فلسفه الحادی و جهان‌بینی ملحدانه اساساً برای نفی دین آمده و با آن سازگاری ندارد. پس از تبیین علم دینی، مفهوم بومی کردن علم مطالعه و تبیین شد؛ بدین صورت که بومی کردن علم به معنای ایجاد و هماهنگ‌سازی دانشها با توجه به داشته‌ها و پشتوانه‌های تمدنی است تا بتواند پاسخگوی نیازهای جامعه باشد. در ادامه نیز روش‌شناسی علوم قرآنی مورد مطالعه قرار گرفت. در ادامه نیز مدل نوآورانه مقاله برای انجام پژوهشهای بنیادی در حوزه مطالعات مدیریت اسلامی ارائه شد. مدلی که نخست قابل استفاده توسط جامعه دانشگاهی می‌باشد و دوم، مورد تأیید خبرگان حوزوی است. مدل ارائه شده مشتمل بر ۱۱ گام بدین شرح بوده است: ۱- مرور و تدبیر در قرآن و شناسایی آیات مرتبط با موضوع پژوهش؛ ۲- استخراج مضامین و پیامهای مرتبط از تفسیر قرآن؛ ۳- استفاده از دو کدگذار برای اعتبارسنجی مضامین و پیامهای استخراج شده؛ ۴- اعتبارسنجی مفاهیم استخراج شده بر اساس تفسیر المیزان؛ ۵- تبیین نهایی مفاهیم شناسایی شده؛ ۶- کدگذاری مفاهیم (پیامها) استخراج شده؛ ۷- استخراج مقوله‌ها؛ ۸- استخراج مقوله‌های اصلی؛ ۹- تعیین روابط بین مقولات و ارائه مدل مفهومی اولیه؛ ۱۰- اعتبارسنجی مدل بر اساس نظرات خبرگان و ۱۱- آزمون مدل مفهومی نهایی پژوهش در محیط واقعی.

باید به این مهم توجه کرد که فرایند شکل‌گیری علوم، فرایندی اجتماعی و بلندمدت است؛ بنابراین صرف مباحث نظری در خصوص امکان یا چیستی علم دینی، به هیچ وجه برای شکل‌گیری چنین علمی کفایت نمی‌کند. آنچه در مرحله کنونی نیاز داریم، مطالعات چندجانبه و تفصیلی در مورد فرایندهای شکل‌گیری علوم، با توجه به ساختار نهادها و جوامع علمی در جهان معاصر و همین‌طور مطالعه تجربیات جوامع مختلف در این زمینه است. طراحی و اجرای این مطالعات و دیگر مطالعات ضروری مشابه، به مشارکت حوزه‌هایی مانند جامعه‌شناسی علم، اقتصاد علم، علم‌سنجی، تاریخ علم، مدیریت و سیاستگذاری علم در کنار متخصصان علوم دینی و فیلسوفان علم نیاز دارد. با اتکا به چنین مطالعاتی است که می‌توان به شکل‌گیری و توسعه علم دینی امیدوار بود؛ در غیر این صورت، مبحث بومی‌گرایی و دینی‌گرایی در علم تنها در مرحله مباحثات نظری باقی خواهد ماند. این توقف می‌تواند ایده بومی‌گرایی در علم را که انگیزه‌های

صحيح و بنيانهاي نظري قابل دفاعي دارد با چالش مواجه كند (خوشنويس، ۱۳۸۸: ۲۱). بر اين اساس، ضروري است كه با احصا و اولويت بندي نيازهاي پژوهشي در حوزه علوم انساني اسلامي، زمينه‌هاي حضور و مشاركت فعال محققان فراهم شود. طراحي سازوكاري براي حمايت از اين فعاليتها در قالب طرحهاي پژوهشي و همچنين رساله‌هاي دكتری نيز مي‌تواند مفيد و راهگشا باشد.



منابع

۱.(۱۳۸۵)؛ بهره‌گیری از روش‌شناسی تحول یافته اجتهادی، لازمه تولید علم دینی، فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی، سال دوازدهم، شماره ۴۹
۲. آزادگان، ابراهیم (۱۳۹۱)؛ مقایسه مبانی فلسفی علم دینی و علم طبیعت‌گرایانه، فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی، سال هجدهم، شماره ۷۲
۳. پورفرد، مسعود (۱۳۹۰)؛ قالب ویژه نظام دانایی در جمهوری اسلامی، تهران، انتشارات همشهری، سال بیستم، شماره ۵۵۹۰
۴. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸)؛ تسنیم، جلد ۱، قم، انتشارات اسراء
۵. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶)؛ منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، قم، انتشارات اسراء، چاپ اول
۶. حافظنیا، محمدرضا (۱۳۸۹)؛ مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، تهران، انتشارات سمت، چاپ سوم
۷. حسنی، سیدحمیدرضا و مهدی علی‌پور (۱۳۹۱)؛ درآمدی بر سیاست پژوهی تولید علم انسانی اسلامی؛ آسیب‌ها و راهکارها، فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی، سال هجدهم، شماره ۷۰
۸. خاکی، غلامرضا (۱۳۷۸)؛ روش تحقیق با رویکردی بر پایان‌نامه نویسی، تهران، انتشارات مرکز تحقیقات علمی کشور، چاپ اول
۹. خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۹۱)؛ تبیین و تحلیل نظریه دانش ولایی، فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی، سال هجدهم، شماره ۷۱
۱۰. خوشنویس، یاسر (۱۳۸۸)؛ دینی‌گرایی در علم؛ یک وظیفه معرفتی، فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی، سال پانزدهم، شماره ۵۹
۱۱. دانایی‌فرد، حسن؛ سیدمهدی الوانی و عادل آذر (۱۳۸۳)؛ روش‌شناسی پژوهش کمی در مدیریت: رویکردی جامع، تهران، انتشارات صفار، چاپ اول
۱۲. دانایی‌فرد، حسن؛ سیدمهدی الوانی و عادل آذر (۱۳۸۸)؛ روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت: رویکردی جامع، تهران، انتشارات صفار- اشراقی، چاپ سوم
۱۳. دانایی‌فرد، حسن؛ سیدمهدی الوانی و عادل آذر (۱۳۹۰)؛ روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت: رویکردی جامع، تهران، انتشارات صفار- اشراقی، چاپ چهارم
۱۴. رازینی، لطف‌الله (۱۳۸۹)؛ طراحی و تبیین مدل جامع تعالی سازمانی با رویکرد اسلامی، رساله دکتری رشته مدیریت تولید و عملیات، دانشگاه تربیت مدرس (منتشر نشده)
۱۵. سرمد، زهره؛ عباس بازرگان هرنندی و الهه حجازی (۱۳۸۰)؛ روشهای تحقیق در علوم رفتاری، تهران، انتشارات آگاه



۱۶. سیدباقری، سیدکاظم (۱۳۹۰)؛ پای دانش بومی در سنت است. تهران، انتشارات همشهری، سال بیستم، شماره ۵۵۹۰
۱۷. عابدی جعفری، حسن، حمزه خواستار و امیر اعظمی (۱۳۸۸)؛ پرسشهای بزرگ در زمینه مطالعات سازمان و مدیریت اسلامی، مجله علوم انسانی (مدیریت ولایی)، سال هفدهم، شماره پیاپی ۷۹
۱۸. علی احمدی، علیرضا و وفا غفاریان (۱۳۸۲)؛ اصول شناخت و روش شناخت (با نگاهی به مطالعات تاریخی)، فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهراء (س)، سال سیزدهم، شماره ۴۶ و ۴۷
۱۹. فتح‌الهی، ابراهیم (۱۳۸۶)؛ روش‌شناسی علوم قرآن از منظر فلسفه علم، نامه حکمت، سال پنجم، شماره ۱
۲۰. فرامرزی قراملکی، احد (۱۳۸۲)؛ مهارتهای شناختی استاد مطهری در دین پژوهی، مقالات و بررسی‌ها، دفتر ۷۴
۲۱. فنایی اشکوری، محمد (۱۳۹۱)؛ مواجهه دیندارانه با علوم جدید، فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی، سال هجدهم، شماره ۷۲
۲۲. کافی، مجید و غلامرضا جمشیدیها (۱۳۹۱)؛ مدل روش‌شناختی نظریه‌پردازی در علوم انسانی اسلامی، فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی، سال هجدهم، شماره ۷۲
۲۳. کرسول، جان و ویکی پلانوکلاک (۱۳۸۷)؛ روشهای تحقیق تلفیقی (جلد اول)، ترجمه عباس زارعی و محسن نیازی، تهران، انتشارات ثامن الحجج، چاپ اول
۲۴. گلشنی، مهدی (۱۳۷۸)؛ مقصود ما از علوم دینی (قسمت اول)، نشریه رشد آموزش معارف اسلامی، شماره ۷۵
۲۵. لطیفی، میثم (۱۳۸۸)؛ بازپردازی مفهوم نظم و انضباط در سازمان (با تأکید بر رویکرد اسلامی)؛ رساله دکتری مدیریت منابع انسانی، منتشر نشده، دانشگاه تربیت مدرس
۲۶. محمدپور، احمد (۱۳۸۹)؛ ضد روش: منطق و طرح در روش‌شناسی کیفی، تهران، انتشارات جامعه‌شناسان، چاپ اول
۲۷. مسعودی، جهانگیر (۱۳۸۹)؛ تحلیلی بر برخی مبانی و پیش‌فرضهای معرفتی موافقان و مخالفان علم دینی، فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی، سال شانزدهم، شماره ۶۴ و ۶۵
۲۸. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۶۴)؛ آموزش فلسفه، جلد ۱، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی
۲۹. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱)؛ علم دینی و اسلامی‌سازی علوم انسانی،



ماهنامه معارف، شماره ۸۶، قابل دسترس در: <http://mesbahyazdi.org/farsi/speeches/ques-dAns>

۳۰. معرفت، محمدهادی (۱۳۹۲)؛ ویژگی‌های تفسیر المیزان، مجله آموزش قرآن، قابل دسترسی در:

<http://www.rasekhoon.net/article/show-49694.aspx>

۳۱. میرباقری، سید محمد مهدی (۱۳۸۷)؛ گفتگوی علمی پیرامون مفهوم علم دینی، قم، مؤسسه فرهنگی فجر ولایت

۳۲. نقی پورفر، ولی... و محمود جعفر پور (۱۳۸۹)؛ مطالعه تطبیقی شاخصهای تأثیرگذار بر تحقق عدالت مراوده‌ای در سازمان، مقایسه دو دیدگاه مدیریت اسلامی و مدیریت غربی، مجله علوم انسانی دانشگاه امام حسین (ع)، مدیریت اسلامی، شماره ۱۸، سال دهم، پیاپی ۸۱

۳۳. واعظی، احمد (۱۳۸۷)؛ علم دینی از منظر آیت الله جوادی آملی، فصلنامه حوزه و دانشگاه، روش‌شناسی علوم انسانی، سال چهاردهم، شماره ۵۴

۳۴. هومن، حیدر علی (۱۳۸۵)؛ راهنمای عملی پژوهش کیفی، انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، چاپ اول، تهران

۳۵. یربئی، سیدیحیی (۱۳۷۲)؛ عرفان نظری، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی

36. Zagoresk, Hugo; Jaklic, Marko; Stough, Stanley J(2004), **Comparing Leadership Practices Between The United States, Nigeria And Slovenia: Does Culture Matter?**, Cross Cultural Management, 11 (2)